

Received: 2023/11/25

Accepted: 2023/12/25

from 107 to 126

Rasoul Soleymani

PhD Student of Quran and Hadith Sciences, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran
soleymanirasool33@gmail.com

Hossein Shariati Fard

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
(Corresponding Author)
h.shariatifard40@gmail.com

Jafar Najafpoor

Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran.
jafarnajafpoor@gmail.com

Sadra Alipour

Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Maku International Branch, Islamic Azad University, Maku, Iran
dr.sadrалipour@gmail.com

Keywords:

Education, Quran, Magic, Reality, Deepfake.

Extending the Quranic Educational Teachings on Magic to the Issue of “Deepfake”

Abstract

The educational teachings of the Holy Quran are not limited to a specific period and can be applied to guide humans in all eras. This article aims to demonstrate the various similarities between magic and the phenomenon of “deepfake” and then generalize the teachings revealed in the Quran for human education on the topic of magic to the issue of deepfake. The findings and analysis showed that each of the Quran’s educational teachings on magic can also be applied to deepfake; it only requires the teachings to be reinterpreted using contemporary terminology: 1- Learning how to nullify magic: Learning about deepfake software and mechanisms, designing software to neutralize and expose it. 2- Considering the evil aspect of magic: Not being deceived by the attractive appearance of deepfake products, focusing on the hidden motives and agendas behind it. 3- Emphasizing the importance of reality: Distancing oneself from the world of virtual images and becoming familiar with the reality of human beings. 4- Considering the divine permission: Recognizing the role of God’s will and individual effort in the real transformation of human beings.

تعمیم آموزه‌های تربیتی قرآن درباره‌ی سحر و جادو به مقوله‌ی «دیپ‌فیک»

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۹/۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۴
از صفحه ۱۰۷ تا صفحه ۱۲۶

رسول سلمیانی

دانشجوی دکترا علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران
soleymanirasool33@gmail.com

حسین شریعتی فرد

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)
h.shariatifard40@gmail.com

جعفر نجف پور

استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.
jafarnajafpoor@gmail.com

صدرا علیپور

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد بین الملل ماکو، دانشگاه آزاد اسلامی، ماکو، ایران.
dr.sadrailipour@gmail.com

چکیده

آموزه‌های تربیتی قرآن کریم به دوره‌ی خاصی محدود نمی‌شود و در همه‌ی اعصار، برای هدایت انسان کاربرد دارند. این مقاله تلاش کرده است که شباهت‌های مختلف سحر و جادو با پدیده‌ی «دیپ‌فیک» را نشان دهد و سپس آموزه‌هایی را که از سوی قرآن برای تربیت انسان در موضوع سحر و جادو نازل شده است، به مقوله‌ی دیپ‌فیک تعمیم دهد. یافته‌ها و تحلیل نشان دادند، هرکدام از آموزه‌های تربیتی قرآن برای سحر در مواجهه با دیپ‌فیک نیز کاربرد دارد و تنها کافی است آن آموزه بر اساس ادبیات جدید بازنویسی می‌شود: ۱. یادگیری راه ابطال سحر (یادگیری نرم‌افزارها و سازوکار دیپ‌فیک، طراحی نرم‌افزارها برای خنثی‌سازی و رسوایی آن)؛ ۲. توجه به بعد شیطانی سحر (بی‌توجهی به ظاهر جذاب محصولات دیپ‌فیک، تمرکز بر پشت پرده و اهداف پنهانی آن)؛ ۳. توجه به اهمیت واقعیت (دور شدن از دنیای تصاویر مجازی و آشنا شدن با واقعیت انسان‌ها)؛ ۴. توجه به اذن الهی (دقت در نقش خواست خداوند و تلاش فردی در تغییر واقعی انسان‌ها).

واژگان کلیدی:

تربیت، قرآن کریم، سحر و جادو، واقعیت، دیپ‌فیک.

آموزه‌های تربیتی قرآن کریم به دوره‌ی خاصی محدود نمی‌شود و در همه‌ی اعصار، برای هدایت انسان کاربرد دارد. بارها در پژوهش‌های مختلف ثابت شده است که رعایت فرمان‌های قرآن کریم در همه‌ی امور و در همه‌ی دوران‌ها، باعث رستگاری انسان گردیده است. همین‌طور برای همگان ثابت شده است که مخالفت و دوری از این آموزه‌ها باعث مشکلات فراوانی برای نسل بشر است. مهم‌ترین علت این مسئله تغییر نکردن ساختار فطری انسان و شناخت کامل خداوند از این ساختار است. خداوند به‌خوبی به قوه‌ی غریزه، قدرت عقل، درک حسی، توان جسمانی و همه‌ی ابعاد انسان علم دارد (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۹۱). این ساختار یکسان در همه‌ی دوران‌ها، رفتارهای مشابه تولید می‌کند. شرایط اجتماعی قطعاً در روند رشد انسان تأثیر دارد (ریاحی و همکاران، ۱۳۹۸)؛ اما نمی‌تواند در برابر نیازها و خواست‌های غریزی و فطری انسان مقاومت کند (نژادایران، ۱۴۰۲). منظور از پدیده‌های مشابه، نمونه‌های یکسان نیستند. تولیدات فرهنگی هیچ دوره‌ای برابر با دوره‌های قبل و بعد خود نیست. هر دورانی پارادایم‌های بنیادین خود را دارد؛ اما می‌توان شباهت‌هایی را در میان برخی از پدیده‌های دوران باستان و امروز مشاهده کرد. همین شباهت‌های نسبی سبب شده است مطالعاتی پیرامون تعمیم آموزه‌های تربیتی قرآن بر پدیده‌های دوران مدرن انجام شود؛ به‌طور مثال، پژوهش‌های مسترحمی و هادی‌به (۱۳۹۹) و پرچم و علی‌بالایی (۱۳۹۶) درباره‌ی بهره‌مندی از آموزه‌های قرآنی برای استفاده بهتر از شبکه‌های اجتماعی انجام شده است. قطعاً شبکه‌های اجتماعی عیناً با هیچ‌کدام از پدیده‌های کهن برابر نیست؛ اما شباهت‌های نسبی فرصت این تعمیم را فراهم کرده است.

سحر و «دیپ‌فیک» دو مصداق مشابه در مقاله‌ی حاضر هستند. سحر یکی از انواع حوادث خارق‌العاده است.

این اتفاقات بر اساس دیدگاه اسلامی به دو گروه تقسیم می‌شود: ۱. حوادثی که بر اساس اذن الهی و به‌منظور هدایت مردم صورت می‌گیرد (مانند معجزه و کرامات)؛ ۲. حوادثی که با نیات شیطانی و برای فریب انجام می‌شود (مانند سحر و جادو) (سالاری و همکاران، ۱۳۹۸). اساس معجزه بر ایمان و راست‌گویی است و اساس سحر بر دروغ و کفر. رویکرد قرآن همواره بر ستایش معجزات و نکوهش سحر بوده است. با توجه به پیشرفت‌های علمی و فناوری، امروزه کمتر کسی در مقابل یک عمل سحرآمیز فریب می‌خورد؛ اما طبیعی است که میل به فریب و دروغ بخواهد خودش را در پدیده‌های دیگری متجلی کند. در دنیای مدرن، امکاناتی که می‌توان با آن‌ها ذهن مردم را فریب داد، بسیار بیشتر از گذشته شده است. البته مصداق امروزی فریب و دروغ، دیپ‌فیک، تفاوت‌هایی با سحر و جادو دارد؛ اما همان‌طور که در ادامه‌ی مقاله آمده است، وجود شباهت میان بسترها و پیامدهای این دو باعث شده است که امکان تعمیم آموزه‌های تربیتی قرآن درباره‌ی سحر بر دیپ‌فیک وجود داشته باشد. البته نباید دیپ‌فیک را با هوش مصنوعی یکی دانست. مقوله‌ی دیپ‌فیک از هوش مصنوعی به نحو نادرستی بهره برده است. هوش مصنوعی یک فناوری بسیار پیشرفته است که می‌تواند در بیشتر زمینه‌های زندگی انسان مفید فایده باشد؛

از همین‌رو؛ تمرکز اصلی مقاله‌ی حاضر روی دیپ‌فیک است؛ پس ارتباطی که این مطالعه میان سحر و دیپ‌فیک برقرار می‌کند، ماهوی و ذاتی نیست؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که قرآن چه آموزه‌هایی را برای مواجهه با سحر پیشنهاد داده است و این آموزه‌ها چگونه در مواجهه با دیپ‌فیک نیز می‌توانند مفید باشند؟

پیشینه‌ی پژوهش

تاکنون هیچ مطالعه‌ای انجام نشده است که در آن، بر اساس آموزه‌های قرآنی، راهکارهایی برای مواجهه با پدیده‌ی دیپ‌فیک معرفی کرده باشد؛ اما مطالعات مفیدی به تعمیم راهکارهای قرآنی به مسائل دیگر دنیای مدرن منتشر شده است. مسترحمی و هادی‌به (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بایسته‌های قرآنی پیام‌ارسالی در فضای مجازی» نشان دادند که بر اساس قرآن کریم می‌توان به شروطی برای نحوه‌ی ارتباط در فضای مجازی پی برد. رعایت اصل علم و آگاهی، صداقت، عفت، ادب، زیبایی و نیز دارای پشتوانه‌ی فکر و اندیشه بودن جزو بایسته‌های مربوط به پیام شمرده شده است که ارسال‌کننده‌ی پیام باید به آن ملتزم باشد؛ همچنین پرچم و علی‌بالایی (۱۳۹۶) با انتشار «راهکارهای اخلاقی-قرآنی در ارتقای سواد استفاده از فضای مجازی در خانواده» توصیه کردند صداقت، ایمان، تقوا و توکل می‌تواند صلح‌رحم و فرهنگ ارتباط خانواده‌ها را در فضای حقیقی غنی سازد و برخی مشکلات فضای مجازی چون حرمت‌شکنی، غیبت، تهمت و بدزبانی را رفع کند. این هدف با توجه به آیات قرآن و تفسیر عملی آن‌ها در احادیث و سیره (در داستان‌های انبیا، ائمه و اولیای الهی) محقق می‌شود. نوروزی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای به ارائه‌ی «راهکارهای تربیت دینی در فضای مجازی با تأکید بر آموزه‌های قرآن و سیره رضوی» پرداختند. فرهنگ‌سازی استفاده‌ی بهینه و درست از امکانات فضای مجازی، آشنا کردن متولیان تربیت با خطرات فضای مجازی، تولید و توسعه‌ی تولیدات فرهنگی متناسب با دین در فضای مجازی، نظارت و همراهی با فرزندان در استفاده از فضای مجازی، جایگزینی فرهنگی، تقویت عقاید، بصیرت‌بخشی و آگاهی دادن به کاربران و... از جمله راهکارهایی است که بررسی آیات قرآن کریم و سیره‌ی رضوی ما را بدان رهنمون می‌کند؛ همچنین در حوزه‌ی بررسی خطرات دیپ‌فیک در نشریات خارجی چند مطالعه منتشر شده است؛ به‌عنوان نمونه، موستاک و همکاران^۱ (۲۰۲۳) مقاله‌ای منتشر کردند با عنوان «دیپ‌فیک‌ها: فریب و تهدید؛ راه‌های مقابله و فرصت‌های نهفته»؛ در این مقاله آمده است که از دیپ‌فیک‌ها می‌توان برای فریب دادن شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان استفاده کرد؛ مانند جعل هویت افراد مشهور برای تبلیغ محصولات تقلبی. دیپ‌فیک‌ها می‌توانند فناوری‌های امنیتی و تشخیص هویت موجود را دور بزنند، همین‌طور می‌توانند برای فریب دادن افراد در معاملات مالی و کلاه‌برداری استفاده شوند. برای مقابله با آن، شرکت‌های فناوری باید بر روی توسعه‌ی نرم‌افزارهایی برای شناسایی و تشخیص دیپ‌فیک‌ها سرمایه‌گذاری کنند و همین‌طور آموزش افراد

1- Mekhail Mustak a,b*, Joni Salminen c, Matti Mantymäki d, Arafat Rahman e,

درباره‌ی خطرات دیپ‌فیک‌ها و نحوه‌ی تشخیص آن‌ها ضروری است و دولت‌ها باید قوانینی برای مقابله با استفاده‌ی غیرقانونی از دیپ‌فیک‌ها وضع کنند.

اغلب تحقیقات صورت‌گرفته درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی و وب‌سایت‌هایی است که امکان ارتباط‌های فراگیر را ایجاد کرده‌اند؛ اما در یک سال اخیر، پدیده‌ی دیگری در حال رواج است که بایست پیش از فراگیری کامل هم شناخته شود و هم بر اساس دیدگاه قرآنی، راهکارهای مقابله با آن معین گردد. پژوهش حاضر این خلأ تحقیقاتی را رفع می‌کند.

مفاهیم

سحر: تعاریفی که علمای اسلام از سحر ارائه داده‌اند، نشان می‌دهد که پدیده‌ای چندوجهی است و مهم‌ترین وجه آن شیطانی بودن است، به سه علت: الف. سحر هر چیزی است که در آن از شیطان کمک گرفته شود و باعث نزدیکی به او گردد؛ «السحر: کل ما کان من الشیطان فیه معونة» (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۳۵-۱۴۱)؛ ب. ریشه و اصل سحر منحرف کردن هر چیز از حقیقت آن است؛ ج. سحر نوعی چشم‌پندی است که چشم را افسون می‌کند؛ «السحر: عمل یقرب فیه إلی الشیطان و بمعونة منه» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۳۴۸). از وجه دیگر، سحر مقوله‌ای مرموز است؛ زیرا درکش برای عموم مردم دشوار و سببش پنهان است و علمی مشتمل بر بحث تخصصی درباره‌ی اوضاع و احوال ستارگان و ارتباط هریک از آن‌ها با امور زمینی موالید سه‌گانه است (حاجی‌خلیفه، بی‌تا، ج ۲، ص ۹۸۰). در وجه سوم، سحر به‌عنوان یک عمل آسیب‌رسان مطرح می‌شود؛ همانند فاصله انداختن میان زن و شوهر (شهید ثانی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۲۸).

جدول شماره‌ی ۱. وجوه پدیده‌ی سحر و جادو

ویژگی	توضیح
شیطانی بودن	سحر از شیطان کمک می‌گیرد و باعث نزدیکی به او می‌شود. ریشه و اصل سحر منحرف کردن هر چیز از حقیقت آن است. سحر نوعی چشم‌پندی است که چشم را افسون می‌کند.
مرموز بودن	درکش برای عموم مردم دشوار و سببش پنهان است.
آسیب‌رسان بودن	باعث ایجاد آسیب‌های مختلف مانند فاصله انداختن میان زن و شوهر می‌شود.

دیپ‌فیک:^۱ دیپ‌فیک یک فناوری هوش مصنوعی است که برای تولید محتوای رسانه‌ای مصنوعی دستکاری‌شده‌ی دیجیتالی استفاده می‌شود. این محتوا می‌تواند شامل فیلم‌ها، تصاویر، یا کلیپ‌های صوتی باشد که در آن، افراد به انجام یا گفتن چیزی که در دنیای واقعی هرگز وجود نداشته یا اتفاق نیفتاده است، نشان داده می‌شوند (Chesney & Citron, 2019, Westerlund, 2019). پیشرفت‌های

1- Deepfake

هوش مصنوعی، به‌ویژه یادگیری ماشین^۱ شبکه‌های عصبی عمیق^۲، به توسعه‌ی دیپ‌فیک کمک کرده‌اند (Kietzmann et al., 2020). این تکنیک از AI و ML برای جایگزینی چهره یا محتوای اصلی با محتوای ساختگی استفاده می‌کند و برای ایجاد محتواهای جعلی مانند پورنوگرافی تقلیدی، انتشار اخبار جعلی، صداهای جعلی سیاستمداران و کلاه‌برداری مالی به‌کار می‌رود (Uddin Mahmud, et al, 2022). این فناوری از شبکه‌های عصبی عمیق، شبکه‌های مخالفان تولید^۳ و سایر الگوریتم‌های پیشرفته برای ایجاد رسانه‌های مصنوعی بسیار واقع‌گرایانه استفاده می‌کند. در واقع، این فناوری از یک فرایند دومرحله‌ای استفاده می‌کند: ۱. آموزش DNN بر روی مجموعه‌ی بزرگی از رسانه‌های واقعی برای یادگیری الگوهای چهره، صدا و حرکت؛ ۲. استفاده از آن دانش برای تولید محتوای جدید با تغییر یا جایگزینی عناصر درون رسانه (Veerasley & Pieterse., 2022). این فناوری‌ها به تولید محتوای دیجیتالی با کیفیتی شبیه به محتوای واقعی کمک می‌کنند. به همین علت، تشخیص دیپ‌فیک از محتوای واقعی می‌تواند برای انسان‌ها بسیار دشوار باشد. دیپ‌فیک می‌تواند برای اهداف مختلفی استفاده شود (Europol, 2022). یکی از کاربردهای بالقوه‌ی آن فریب‌گسترده بازار است؛ به‌عنوان مثال، دیپ‌فیک می‌تواند برای انتشار اخبار جعلی یا تبلیغات گمراه‌کننده استفاده گردد. این امر می‌تواند پیامدهای مختلفی برای شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان داشته باشد. در واقع، مطالعه‌ی اخیر دانشمندان دانشگاه کالج لندن جعل صدا یا فیلم را به‌عنوان نگران‌کننده‌ترین استفاده از هوش مصنوعی در زمینه‌ی کاربردهای بالقوه‌ی آن برای جنایت یا تروریسم رتبه‌بندی می‌کند (Caldwell et al., 2020). این امر نشان‌دهنده‌ی پتانسیل دیپ‌فیک برای آسیب‌رسانی به جامعه است.

جدول شماره‌ی ۲. وجوه پدیده‌ی دیپ‌فیک

ویژگی	توضیح
فریبکار بودن	یک فناوری است که از طریق جعل تصویر و صوت، مخاطب را فریب می‌دهد.
مرموز بودن	درک تفاوت تولید دیپ‌فیک با واقعیت برای مخاطب بسیار دشوار است.
آسیب‌رسان بودن	باعث ایجاد آسیب‌های مختلف مانند کلاه‌برداری مالی، کمک به تروریسم، آبروریزی و سایر می‌شود.

از بررسی مفاهیم سحر و دیپ‌فیک معلوم شد که این دو پدیده در مرحله‌ی تعریف، سه اشتراک مهم دارند؛ هر دو فریبنده، مرموز و آسیب‌رسان هستند.

1- ML
2- DNN
3- GAN

بسترهای مشترک سحر و دیپفیک

پس از بررسی موازی مفاهیم سحر و دیپفیک، ضروری است که بسترهای شکل‌گیری این دو بررسی شود تا نقاط مشترک آن‌ها در این زمینه نیز مشخص گردد. دیپفیک مقوله‌ای است در ادامه‌ی جریان تقویت رسانه‌ها. شبکه‌های خبری جهان واقعیت رویدادهای جهان را تغییر می‌دهند تا جای مظلوم و ظالم عوض شود. پدیده‌ی دیپفیک نیز در همین راستا قرار دارد، با این تفاوت که این بار هر فرد می‌تواند مانند آن رسانه‌ها عمل کند و خود به یک فریبکار بدل گردد.

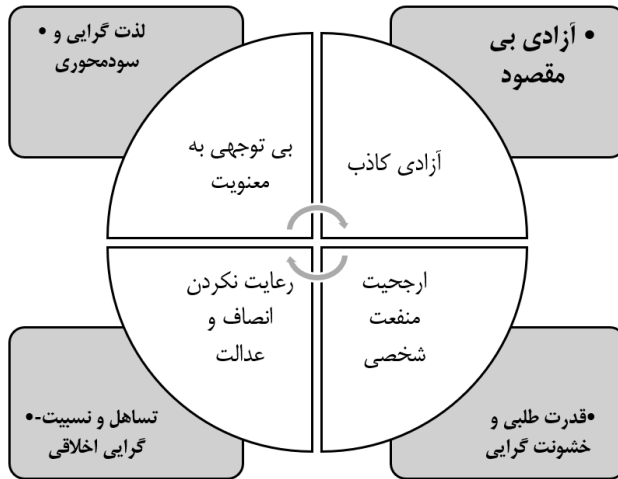
تأکید بر آزادی‌های کاذب اولین زمینه‌ی مشترک هر دو است. همزمان با سحر و جادو، همواره رسولانی از سوی خدا حضور داشتند که مردم را از این کار منع کنند؛ اما ساحران و پادشاهان آن دوران به مردم این‌طور القا می‌کردند که نباید در قیدوبند چنین مسائلی باشند و برای لذت بیشتر، سحر ببینند و خود سحر بیاموزند. درواقع، آنان به‌صورت پیش‌فرض، مردم را از همه‌ی قوانین الهی آزاد تصور می‌کردند؛ زیرا این تعالیم مانع منفعت‌طلبی آنان می‌شد. همین موضوع درباره‌ی زمینه‌ی بیشتر شاخه‌های رسانه‌ای و دیپفیک هم وجود دارد. وقتی فردی می‌تواند در منزل تصویری غیرواقعی تولید کند، به‌گونه‌ای که نتوان دروغ بودن آن را فهمید و هیچ قانونی بر آن نظارت نداشته باشد، درواقع، همان زمینه‌ی سحر و جادو را تولید می‌کند. لیبرالیسم به‌عنوان یک مکتب فکری، تمرکز خود را بر آزادی فردی قرار می‌دهد و با سایر مکاتب اختلافاتی دارد. در لیبرالیسم، آزادی فردی در رأس اهداف قرار می‌گیرد و هیچ اصل اخلاقی بر آن غلبه نمی‌کند. آزادی به‌صورت خواسته‌ای در نظر گرفته می‌شود که همه‌ی هدف را تشکیل می‌دهد و تنها به‌شرط آن است که به آزادی و استقلال فرد ضرر نرساند (فروم، ۱۳۷۵، ص ۲۵-۳۵). هنگامی که درباره‌ی آزادی صحبت می‌کنیم، سه پرسش پیش می‌آید: آزادی از چه چیزی؟ برای چه مقصودی؟ و برای چه کسی؟ در لیبرالیسم، این واژه معمولاً به‌صورت «آزادی از چیزی» تعریف می‌شود و نه «آزادی برای مقصودی» (گری، ۱۳۸۴، ص ۵۴). همین موضوع نشان می‌دهد که آزادی مدنظر لیبرال، یک آزادی بی‌هدف است و تنها باعث سرگردانی بیشتر انسان‌ها می‌شود تا اینکه آنان را به یک هدف خاص و متعالی برساند.

اقتدارگرایی و سلطه‌جویی دومین بستر مشترک سحر و دیپفیک است. وقتی فرعون ساحران را در مقابل موسی^(ع) قرار می‌داد و هنگامی که ساحران را به علت ایمانشان تهدید به شکنجه کرد، می‌خواست قدرتش را به رخ دیگران بکشد. می‌خواست بگوید که من بر همه‌ی شما مسلط هستم. این بینش در سرمایه‌داری دنیای امروز نیز حضور دارد. سرمایه‌داری از طریق رسانه‌ها، محصولات مدنظرش را برای مردم برجسته می‌کند. بیشتر این پدیده‌ها ظاهری فریبنده دارند و هدفشان تنها سلطه بر ذهن مردم است. لیبرالیسم معتقد است که قدرت ملاک ارزش‌گذاری است؛ به‌عبارت دیگر، هرکسی که قدرت بیشتری دارد، حق حاکمیت بر دیگران را نیز دارد (اعتمادی بزرگ و همکاران، ۱۳۹۹). این دیدگاه در دوران رنسانس با علاقه و عطش به کسب قدرت، بی‌اعتنایی به ابزارها و روش‌ها و میل شدید به انهدام موانع قرون‌وسطایی تجلی یافت. لیبرالیسم بر سود و

فایده استوار است. در این اخلاق، برابری معنا ندارد؛ زیرا برخی برای حکومت و فرمانروایی آفریده شده‌اند و برخی دیگر ابزاری برای رسیدن به اهداف این افراد هستند (نیچه، ۱۳۷۳، ص ۲۷۲-۲۵۶). این روحیه اقتدارگرایی، بر اساس لیبرالیسم، بر قدرت و سود استوار است. در این اخلاق، هیچ قیدوبند اجتماعی‌ای فرد را محدود نمی‌کند؛ یعنی غایات خود فرد مانند قدرت و شهرت برای او، تنها معیار عمل است. لیبرال‌ها معتقدند که سیاست باید بر اساس قدرت و سود باشد، نه اخلاق و دین.

فایده‌جویی و لذت‌گرایی خاستگاه سوم مشترک است. وقتی شیطان بر وجود کسی رخنه کند، فریب دیگران به کاری لذت‌بخش بدل می‌شود و اگر شیطان بر یک جامعه مسلط گردد، همه‌ی مردم به فریب یکدیگر مشغول خواهند شد. این همه‌ی وضعیتی است که برخی از یهودیان به آن دچار بودند و دائم یکدیگر را با سحر فریب می‌دادند تا لذت ببرند. همین امروز نیز در فضای مجازی، تولیدات دیپ‌فیک برای لذت بردن مردم عرضه می‌شود. ممکن است فردی از دیدن تصویر غیرواقعی و شنیدن صدای جعلی لذت برد؛ اما در حقیقت در حال فریب خوردن است. اوج لذت و سوداگری لیبرالیسم در بهره‌کشی از زنان در جاهلیت مدرن است! در این دوران، زن به ابزاری برای اطفای شهوت جنسی بی‌حدومرز مردان عیاش و سوءاستفاده‌ی سرمایه‌داران بدل شده است. زنان تا سالیان اخیر، حتی کمترین حقوق انسانی، سیاسی و اقتصادی را نداشتند (عام، ۱۳۸۴، ص ۱۵۰ و ۲۲۰). در این فرهنگ، میزان ارزش زن به جاذبه‌ی جنسی وی است. زن به‌جای اینکه راه و رسم مهر ورزیدن و حقیقت عشق همسری و مادری را یاد بگیرد، راه وصل کردن خودش به جنس مخالف، برای کسب درآمد از طریق خودفروشی را می‌آموزد. تضعیف هویت مادرانه و نابودی خانواده، کاهش جمعیت و انحطاط اخلاقی فردی و جمعی از جمله اهداف طراحان سازمان اجتماعی‌ان. دبلیو. ا. «دنیای جدید رشد» است.

بی‌تفاوتی به اخلاق آخرین بستر مشترک این دو است. اینکه همه در حال فریب یکدیگر باشند؛ یعنی در آن جامعه چیزی به اسم اخلاق وجود ندارد. این مسئله در دنیای امروز بعد از نیچه، به‌عنوان یک ارزش مطرح شده است؛ یعنی جامعه‌ی غربی با افتخار خود را بی‌تفاوت به اخلاق معرفی می‌کند که نتیجه‌ی آن دو جنگ جهانی اول و دوم بود. تساهل برآیند اجتناب‌ناپذیر لیبرالیسم است؛ زیرا از این منظر، مدارا با عقلانیت محاسبه‌گر عرفی در پیوند است تا آزادی فردی تحقق پذیرد (لاک، ۱۳۷۷، ص ۵۶). لازمه‌ی جامعه‌ی مداراگر لیبرالی، ترجیح دادن عدم قطعیت، بی‌تفاوتی و حتی بی‌عاطفگی بر حمیت دینی ملی و وجدان عمومی است؛ زیرا اساساً مقوله‌هایی مانند وجدان، عصیبت حمیت و بلکه ضرورت حفظ هویت ملی- مذهبی از دیدگاه این مکتب، هیچ محلی از اعراب ندارند! (آربلاستر، ۱۳۷۷، ص ۱۸۹). نسبی‌گرایان اخلاقی معتقدند که هیچ اصل یا ارزش اخلاقی مطلق وجود ندارد. از نظر آنان، ارزش‌های اخلاقی بر اساس فرهنگ، زمان و مکان، متفاوت هستند؛ به همین علت نمی‌توان گفت که یک عمل یا رفتار برای همه‌ی افراد و در همه‌ی زمان‌ها، خوب یا بد است.



نمودار شماره ۱. بسترهای مشترک دیپفیک و سحر

پیامدهای مشترک سحر و دیپفیک

بر اساس مطالب ذکرشده می‌توان پیامدهای مشترک میان سحر و دیپفیک را به این‌گونه طبقه‌بندی کرد:

۱. اولین پیامد مهم سحر و جادو رواج اطلاعات و دانش اشتباه است. ساحری که با احاطه‌ی ذهن مخاطب وانمود می‌کند انسانی را به حیوان تبدیل کرده است، درباره‌ی ماهیت طبیعی انسان و حیوان بینشی اشتباه در ذهن مخاطبان نهادینه می‌کند. در جامعه‌ای که در آن سحر رواج داشته باشد، علم و دانایی از بین می‌رود. در زمانه‌ی ما، علم دو وجه دارد: اول، علمی است که باعث بهبود زندگی مردم می‌شود؛ اما وجه دوم، علمی است که بدون هیچ تعقلی به پیشرفت بیهوده‌ی فناوری کمک می‌کند. این وجه دوم نه تنها برخاسته از دانایی نیست، بلکه در عمل به گسترش دروغ و اطلاعات غلط کمک می‌کند. با توجه به اینکه دستیابی و توزیع اطلاعات از طریق اینترنت به سهولت انجام می‌پذیرد، گمراه کردن و گمراه شدن از این راه نیز خواسته یا ناخواسته، کار چندان دشواری نیست. گمراهی ممکن است حداقل از دو راه صورت بگیرد: یکی از طریق اشاعه‌ی اطلاعات نادرست و غلط و دیگری از طریق نمایش اطلاعات درستی که دست‌کاری شده‌اند. در مقابل، جوینده‌ی اطلاعات نیز ممکن است به‌واسطه‌ی اطلاعات نادرست، به‌سادگی دچار گمراهی شود و یا در معرض تفسیر نادرست اطلاعات قرار گیرد و از آنجاکه اطلاعات پایه و بنیان تصمیم‌گیری، عملکرد و سیاست هستند؛ بنابراین، ارائه‌ی اطلاعات نادرست از طریق اینترنت نیاز به ارزیابی اخلاقی منتقدانه دارد. حال اگر پدیده‌ی دیپفیک نیز به این مسئله اضافه گردد، متوجه عمق فاجعه خواهیم شد (Patil, 2023). با دیپفیک می‌توان کاخی باستانی را تصویر کرد که هیچ‌گاه وجود

نداشته است، سرزمینی ساخت که هیچ خاستگاه علمی ندارد و چنان تصاویر این سرزمین واقعی باشد که نتوان از واقعیت تشخیص داد.

۲. از ابتدای تاریخ، انسان‌های شر علیه مردمان خیر اقدامات متفاوتی انجام داده‌اند. سحر این فرصت را برای آنان مهیا می‌کرد که بتوانند علیه انسان‌های نیک توطئه‌چینی کنند. در گام اول تلاش می‌کردند با قدرت سحرشان آنان را مرعوب کنند، اما وقتی می‌دیدند، آنان به مدد الهی، قدرتی فراتر دارند، تهمت سحر می‌زدند. این پیامد منفی در پدیده‌ی دیپ‌فیک هم وجود دارد (Murphy G, 2023). به‌راحتی می‌توانند علیه مخالفان خود محتوای جعلی تولید کنند و به آبرو و جان افراد لطمه بزنند. با استفاده از فناوری دیپ‌فیک، ویدئوکلیپ‌هایی تولید می‌شود که موجب لطمه‌ی شدید به وضعیت یک کشور، فضای سیاسی و اجتماعی و نظایر آن‌ها می‌گردد. این ویدئوکلیپ‌ها حتی ممکن است در مواردی موجب اغتشاشات گسترده‌ای در جامعه شود یا حیثیت اجتماعی افراد را مخدوش کند و موجب کاهش محبوبیت آنان گردد.

۳. یکی از علل حرام بودن سحر و جادو، همسو بودن آن با لهو و لعب است. سحر و جادو فرهنگ ابتذال را در جامعه گسترش می‌دهد. مردم را در مسیری قرار می‌دهد که از فرهنگ الهی و انسانی دور شوند و به مسائلی توجه کنند که خارج از حیطه‌ی وظیفه‌ی آنان است. گسترش ابتذال پیامدی است که عیناً با دیپ‌فیک هم تولید می‌شود. دیپ‌فیک از انسان‌ها می‌خواهد در عمل هیچ تلاشی نکنند، بلکه تصویر موفقیت جعلی خود را با دیگران به اشتراک بگذارد. همه‌ی این تصاویر، فیلم‌ها و صداها‌ی جعلی ذهن را در سطح نگاه می‌دارد و مانع عمیق شدن انسان می‌شود. یکی از مصادیق ابتذال دیپ‌فیک، تولید و ساختن تصاویر جنسی افراد با استفاده از این فناوری به‌طور غیرقانونی است (Douglas, 2019). این تصاویر به قصد رسوا کردن افراد برای اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی یا انتقام‌جویی‌های شخصی یا ترویج و اشاعه‌ی فساد و فحشا انجام می‌شود که دیپ‌فیک هرزه‌نگارانه^۱ نامیده می‌شود. یکی از نمونه‌های رایج این نوع دیپ‌فیک، تصاویری است که به قصد انتقام‌جویی‌های شخصی ساخته می‌گردد که دیپ‌فیک انتقامی یا انتقام‌جویانه^۲ نامیده می‌شود.

۴. آخرین پیامد منفی سحر و جادو که فرعون‌های باستان در جستجوی آن بودند، اغفال مردم بود. هدف آنان سرگرم کردن ذهن مردم با چنین مسائلی بود تا از این طریق، قدرت تعقل را از مردم بگیرند؛ زیرا قدری تفکر کافی بود که پوشالی بودن نظام خدایان باستان مشخص گردد. امروز نیز حاکمان و سرمایه‌داران جهان به این هدف نیاز دارند. اشغال ذهن مردم با مسائلی مبتذل همانند دیپ‌فیک می‌تواند هدف را محقق کند. همین‌طور می‌توانند با تولید محتواهای جعلی هدفمند، ذهن مردم را دقیقاً به حوزه‌ی مشخصی راهنمایی کنند.

1- DeepFake Porn

2- Revenge porn



نمودار شماره ۲. پیامدهای مشترک سحر و دیپ فیک

تعمیم آموزه‌های قرآن درباره‌ی سحر به پدیده‌ی دیپ فیک

بر اساس آیاتی که درباره‌ی سحر نازل شده است، می‌توان گفت، قرآن نسبت به سحر چند نکته‌ی مهم را مطرح کرده است: ۱. تولید ترس و رنج در فرد مسحور با استفاده از ابزارهای توهمزها و روش‌های معمول ساحران (اعراف: ۱۱۶)؛ ۲. استفاده از خصوصیات طبیعی جانوران و اشیا مانند ویژگی‌های گیوه یا گیاهان دارویی، به منظور تأثیرگذاری بر مردم (طه: ۶۹)؛ ۳. استفاده از حرکت‌های نهانی، پرسرعت و موج‌دار تا حدی که حتی فرد مسحور تصور می‌کند جسم جامد در حال حرکت است (طه: ۶۶). در مقابل چنین پدیده‌ی عجیبی، قرآن کریم آموزه‌هایی را برای تربیت انسان‌ها ارائه داده است. این آموزه‌ها به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌شوند: نخست، تعالیم برای آگاهی اولیه و دوم، تعالیم برای نجات از سحر در صورت ابتلا.

آموزه‌های تربیتی گروه اول

گروه اول تعالیم قرآن شامل آموزه‌هایی است که به انسان نسبت به ماهیت این موضوع آگاهی می‌دهد تا در صورت مواجهه با چنین پدیده‌هایی، واکنش مناسبی نشان دهد. ایجاد شناخت و آگاهی اولین گام در تربیت اسلامی است (سیفعلی‌ئی و همکاران، ۱۳۹۷)

۱. اولین آموزه تأکید بر ظاهری بودن سحر است. در سوره‌ی اعراف و در ماجرای حضرت موسی^(ع) با ساحران آمده است: «قَالَ اَلْقُوا فَلَمَّا اَلْقَوْا سَحَرُوا اَعْيْنَ النَّاسِ وَاَسْتَرَبُّوهُمْ وَاَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ» (۱۱۶)؛ «گفت: شما بیفکنید و چون افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند.» از عبارت «سَحَرُوا اَعْيْنَ النَّاسِ وَاَسْتَرَبُّوهُمْ» به دست می‌آید که جادوی ساحران فرعونی از نوع چشم‌بندی و نشان دادن اشیا برخلاف واقع آن بوده است و ساحران پس از چشم‌بندی، با حرکات و سکنتات خویش سعی می‌کردند مردم را کاملاً

مرعوب سحر خویش سازند (تفسیر اثنی‌عشری، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۱۶۳؛ تفسیر روان جاوید، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۴۶۱). سحر و جادو تنها نگاه و تفکر مردم را به خود جلب می‌کند و آنان را به تعجب و ترس بیندازد؛ اما این تنها تأثیرات ظاهری سحر و جادو است و واقعیت این است که آنان قادر به تغییر واقعیت نیستند و نمی‌توانند واقعیت را تغییر دهند.

این آموزه به وضوح برای مقابله با دیپ‌فیک نیز قابل‌تعمیم است. در آیه‌های مختلف قرآن آمده است که ساحران تنها چشم مردم را سحر می‌کنند و در واقعیت هیچ تغییری نمی‌دهند. راهکار قرآن هم این است که بر واقعیت تمرکز کنید، نه بر توهم خود نسبت به واقعیت. حتی خواب‌آلودگی ساده نیز می‌تواند باعث شود که پدیده‌ای واضح را اشتباه درک کنیم؛ پس اساساً اهمیت واقعیت بسیار بیشتر از درک هر انسان از آن است. برای مقابله با محصولات دیپ‌فیک هم همین مؤثر است. باید دانست که واقعیت انسان‌ها و طبیعت بر تصاویر آن‌ها ارجح است؛ یعنی هرچه به واسطه‌ی شبکه‌های اجتماعی، تصویر یک فرد نسبت به واقعیت آن اهمیت بیشتری داشته باشد، احتمال فریب مردم هم مقابل دیپ‌فیک بیشتر می‌شود. تصویر یک انسان با واقعیت او متفاوت خواهد بود؛ اما متأسفانه در دنیای معاصر اهمیت تصویر بسیار بیشتر شده و این مسئله قدرت دیپ‌فیک را برای تسخیر ذهن‌ها بیشتر کرده است؛ بنابراین، دیپ‌فیک نیز مانند سحر، بر اساس توهم عمل می‌کند. دیپ‌فیک تصاویر و ویدیوهای واقعی را به گونه‌ای دست‌کاری می‌کند که مخاطب باور کند محتوای واقعی است. این جذابیت ظاهری مخاطب را از محتوای فیک غافل می‌کند و او را در معرض خطر قرار می‌دهد. راهکار مقابله با دیپ‌فیک نیز همانند راهکار مقابله با سحر است. مردم باید بر واقعیت تمرکز کنند و به یاد داشته باشند که دیپ‌فیک تنها یک توهم است.

در دنیای معاصر، اهمیت تصویر بسیار بیشتر شده است. شبکه‌های اجتماعی به افراد این امکان را می‌دهند که تصاویری از خود منتشر کنند که ممکن است با واقعیت آنان متفاوت باشد. این مسئله می‌تواند باعث شود که مردم واقعیت را با توهم اشتباه بگیرند؛ بنابراین، مهم است که در دنیای معاصر نیز بر واقعیت تمرکز کنیم. ما باید به یاد داشته باشیم که تصویر یک انسان با واقعیت او متفاوت خواهد بود. مردم باید درباره‌ی اهمیت واقعیت و خطرات توهم آگاه شوند. این آموزش می‌تواند از طریق آموزش عمومی، تبلیغات و کارزارهای اجتماعی انجام گردد. مردم باید یاد بگیرند که به‌طور انتقادی فکر کنند و اطلاعات را ارزیابی نمایند. این مهارت می‌تواند به آنان کمک کند تا محتوای فیک را از محتوای واقعی تشخیص دهند.

۲. مورد دوم در سوره‌ی طه ذکر شده است: «وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفًا مَا صَنَعُوا إِمَّا صَنَعُوا كَيْدًا سَاحِرٍ وَلَا يَفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى» ﴿۶۹﴾؛ «آنچه را در دست راست داری، بیفکن تا همه‌ی ساخته‌هایشان را بلعد؛ یقیناً آنچه را ساخته‌اند [واقعیت ندارد] فقط نیرنگ جادوگر است و جادوگر هر جا درآید، پیروز نمی‌شود.» «فَأَلْقَى السَّحْرَةَ سَجْدًا قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى» ﴿۷۰﴾؛ «[چون عصایش را انداخت و ساخته‌های جادوگران را بلعید، جادوگران از عظمت کار دریافتند که امری است خدایی نه جادویی] پس سجده‌کنان به رو درافتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون

و موسی ایمان آوردیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۱۳، ص ۲۴۵). تحیر ساحران از معجزه‌ی موسی^(ع) نشان می‌دهد که ساحران و اساساً پدیدهی سحر بر ستون‌های لرزان استوار است. خداوند به مؤمنان این آگاهی را می‌دهد که چنین افرادی جاهلانه زندگی کرده‌اند و به راحتی می‌توان با علم کافی بر آنان مسلط شد. اگر تربیت را تلاش برای تغییر رفتارهای نادرست بدانیم، این نکته‌ی قرآن هم تلاش می‌کند رفتار نادرست ساحران را اصلاح نماید و هم به سایر مردم تذکر می‌دهد همه‌ی اموری که بر اساس نادانی باشد، چنین عاقبتی خواهد داشت؛ پس هم رفتار ساحران را اصلاح می‌کند و هم رفتار مخاطبان سحر را.

همین جذابیت ظاهری در محصولات دیپ‌فیک هم هست. امروزه بیشتر مخاطبان شبکه‌های اجتماعی با تماشای این محتواهای فیک اما جذاب، حیرت می‌کنند؛ اما بیشتر آنان از این مسئله نگران هم هستند. در این مورد نیز راهکار قرآن بسیار راهگشاست. باید همانند سحر، در مواجهه با این تولیدات نیز به ذات شیطانی و پلید محصولات دیپ‌فیک توجه کرد. باید دانست که این محصولات می‌تواند زندگی میلیون‌ها انسان را نابود کند؛ بنابراین، وجه مشترک سحر و دیپ‌فیک، جذب مخاطب با ظاهری جذاب است. ساحران از ترفندهای مختلف برای فریب ذهن مخاطب استفاده می‌کردند. آنان از سخنان شیرین، موسیقی دل‌نشین و تصاویر زیبا برای اغوای مخاطب بهره می‌گرفتند. دیپ‌فیک نیز از این ویژگی برخوردار است. این فناوری با استفاده از هوش مصنوعی، تصاویر و ویدیوهای واقعی را به گونه‌ای دست‌کاری می‌کند که مخاطب باور کند محتوای واقعی است. این جذابیت ظاهری مخاطب را از محتوای فیک غافل می‌کند و او را در معرض خطر قرار می‌دهد. مردم باید ماهیت شیطانی دیپ‌فیک را بشناسند تا از آن در امان باشد. مردم باید درباره‌ی دیپ‌فیک و خطرات آن آگاه شوند. این آگاهی می‌تواند از طریق آموزش عمومی، تبلیغات و کارزارهای اجتماعی انجام گردد. قوانین مربوط به تولید و انتشار محتوای فیک باید اصلاح شود. این قوانین باید به گونه‌ای باشد که تولید و انتشار محتوای فیک را محدود کند.

آموزه‌های تربیتی گروه دوم

۱. این گروه مربوط به زمانی است که شخص دچار سحر شده است و حال باید او را نجات داد. در سوره‌ی بقره آیه‌ی بسیار مهمی درباره‌ی سحر در دوران سلیمان نبی وجود دارد: «... وَمَا أَنْزَلَ عَلَى الْمَلَكِينَ بَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يَعْلَمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُرْفَقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ...»؛ «و از آنچه بر دو فرشته‌ی هاروت و ماروت در شهر بابل نازل شد [پیروی کردند] و حال آنکه آن دو فرشته به هیچ‌کس نمی‌آموختند، مگر آنکه می‌گفتند: ما فقط مایه‌ی آزمایشیم [و علم سحر را برای مبارزه با ساحران و باطل کردن سحرشان به تو تعلیم می‌دهیم]؛ پس [با به‌کار گرفتن آن در مواردی که ممنوع و حرام است] کافر مشو؛ اما آنان از آن دو فرشته مطالبی [از سحر] می‌آموختند که با آن، میان مرد و همسرش جدایی می‌انداختند.» این آیه مفاهیم بسیار مهمی درباره‌ی سحر مطرح می‌کند؛ اما از دیدگاه این مقاله، نکته‌ی مهم مأمور کردن دو فرشته برای تعلیم سحر به افرادی که به‌واسطه‌ی سحر

شیاطین متضرر شده‌اند. درواقع، این آموزه‌ی تربیتی با اینکه عجیب به نظر می‌رسد؛ اما حیاتی است. اینکه بهتر است افرادی که می‌توانند بر نفس خود غلبه کنند و از سحر به نفع خود و آسیب دیگران استفاده نکنند، اصول سحر را یاد بگیرند تا بتوانند آسیب ساحران را دفع کنند. علامه طباطبایی و چند مفسر دیگر شیعه از همین رو عقیده دارند، ذات یادگیری سحر کفر نیست؛ زیرا ممکن است فردی به علت ابطال سحر شیاطین، جادو را یاد بگیرد؛ پس آنان جنبه‌ی کفرآمیز سحر را در نحوه‌ی استفاده‌ی آن، به‌گونه‌ای که هم به خود و هم به دیگران صدمه بزند، می‌دانند (المیزان، ج ۱، ۳۵۵؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۷۰؛ تفسیر خسروی، ج ۱، ص ۱۴۷)؛ اما اهل تسنن در این مورد، نظر متفاوت دارند؛ عمده‌ی نظر آنان این است که صرف استفاده از سحر، بدون در نظر گرفتن آثار آن که اغواگری است، موجب کفر شخص می‌شود.

این راهکار در مواجهه با دیپ‌فیک اهمیت بیشتری دارد. مردمی که در طلب حقیقت هستند، حتماً باید با فرایند تولید دیپ‌فیک آشنا گردند تا بتوانند ترفندهای آن را خنثی نمایند. باید دقیقاً با بیشتر نرم‌افزارها و وبسایت‌هایی که محتوای جعلی تولید می‌کنند، آشنا باشند تا هنگام مواجهه با محتوای فیک، آن را تشخیص دهند؛ بنابراین، اولین گام برای مقابله با این چالش‌ها، افزایش آگاهی مردم درباره‌ی دیپ‌فیک است. مردم باید بدانند که هوش مصنوعی چگونه کار می‌کند و چگونه می‌توان از آن برای تولید محتوای جعلی استفاده کرد. علاوه بر افزایش آگاهی، مردم باید مهارت‌های تشخیص محتوای جعلی را نیز بیاموزند. این مهارت‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد: شناسایی نشانه‌های محتوای جعلی مانند استفاده از تصاویر یا ویدیوهای قدیمی یا جعلی، بررسی صحت اطلاعات ارائه‌شده در محتوا، بررسی منبع محتوا. دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی باید برای توسعه‌ی ابزارهای تشخیص محتوای جعلی تلاش کنند. این ابزارها می‌تواند به مردم کمک کند تا محتوای جعلی را به‌راحتی شناسایی نمایند. با انجام این اقدامات می‌توان مردم را برای مقابله با دیپ‌فیک آماده کرد و از آنان در برابر این چالش‌ها محافظت نمود. محتوای آموزشی درباره‌ی دیپ‌فیک باید در مدارس و دانشگاه‌ها گنجانده شود. این آموزش باید به مردم کمک کند تا درک درستی از این فناوری‌ها داشته باشند.

رسانه‌ها باید نقش مهمی در آگاهی‌بخشی مردم درباره‌ی دیپ‌فیک ایفا کنند. این آگاهی‌بخشی می‌تواند از طریق برنامه‌های تلویزیونی، روزنامه‌ها، وبسایت‌ها و سایر رسانه‌ها انجام گردد. کارزارهای اجتماعی نیز می‌تواند برای افزایش آگاهی مردم درباره‌ی دیپ‌فیک مفید باشد. این کارزارها می‌تواند از طریق شبکه‌های اجتماعی و سایر پلتفرم‌های آنلاین انجام شود.

۲. در بخشی از آیه‌ی ۱۱۰ سوره‌ی مائده درباره‌ی واکنش یهودیان به معجزات حضرت عیسی^(ع) آمده است: «وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (مائده: ۱۱۰)؛ «و آنگاه که [شر و آسیب] بنی‌اسرائیل را هنگامی که برای آنان دلایل روشن آوردی، از تو بازداشتیم؛ پس کسانی که از آنان کافر شدند، گفتند: این [دلایل و معجزات] جز افسونی آشکار نیست.» مهم‌ترین آموزه‌ای که در دل این آیه نهفته است، نشان دادن تقابل معجزه و سحر است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۲۰۰). درواقع، توصیه و سخن قرآن این است،

در صورتی که بدون آگاهی با چنین پدیده‌ای برخورد حاصل شد و ضرری از آن رسید، ضروری‌ترین کار پناه بردن به قدرت اعجاز خداوند است. مطلقاً نباید با چنین افرادی وارد بحث‌های منطقی یا غیره گردید. باید یادآور شد که قدرت واقعی نزد خداوند است و به مدد ذکرها و عبادت‌های مدام از شر آن خلاص گردید؛ زیرا آنان به علت کافر بودن، پوشانده‌ی حقیقت هستند؛ پس نه تنها خود آگاه نمی‌شوند، بلکه حقیقت را هم برای دیگران می‌پوشانند. این آیات سوره‌ی حجر نیز همین موضوع را تأیید می‌کند: «وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرَجُونَ» ﴿۱۶﴾؛ «و اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم که همواره از آن بالا می‌رفتند»؛ «لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ» ﴿۱۵﴾؛ «قطعاً می‌گفتند: در حقیقت ما چشم‌بندی شده‌ایم، بلکه ما مردمی هستیم که افسون شده‌ایم.» در آیه‌ی ۱۰۲ سوره‌ی بقره نیز این مسئله به گونه‌ی دیگری آمده است. اشاره‌ی مهم این آیه به نقش اذن الهی در اتفاقات غیرعادی (رازی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۴) نشان می‌دهد که در گرفتار شدن به مصیبت‌های سحر و جادو، مهم‌ترین پناهگاه درگاه الهی است تا با اذن خود، آن پدیده‌ی غیرعادی را با خنثی کند.

تفاوت میان معجزه و سحر این است که معجزه خود واقعیت را تغییر می‌دهد، نه تصور مردم را. علت اینکه معجزه امکان چنین کاری را دارد، این است که بر اساس اذن الهی انجام می‌شود. پیامبران تنها وسیله‌ی اجرای معجزه هستند و اراده‌ی اصلی توسط خداوند صادر می‌گردد؛ از همین رو، یکی از مهم‌ترین راهکارهای قرآن برای مقابله سحر این است که بدانیم تنها اراده‌ی خداوند می‌تواند واقعیت را تغییر دهد، نه اراده‌ی انسان‌ها. یکی از مهم‌ترین مواردی که اذن الهی واقعیت را تغییر داد، شفای الهی بود. معجزات شفا از سوی پیامبران می‌تواند علل مختلفی داشته باشد. یکی از علل این معجزات اثبات ادعای رسالت پیامبران است. پیامبران الهی برای اثبات اینکه از جانب خداوند فرستاده شده‌اند، معجزات مختلفی را انجام می‌دادند. یکی از این معجزات، معجزات شفا بود. علت دیگر معجزات شفا از سوی پیامبران، امدادسانی به مردم و کمک به آنان برای رهایی از بیماری‌ها است. پیامبران الهی همواره در تلاش بودند تا به مردم کمک کنند و زندگی آنان را بهبود بخشند. یکی از راه‌های کمک به مردم شفای آنان از بیماری‌های مختلف بود. معجزات شفا از سوی پیامبران می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد. یکی از پیامدهای این معجزات افزایش ایمان مردم به پیامبران است. هنگامی که مردم می‌دیدند که پیامبران الهی می‌توانند بیماری‌های آنان را شفا دهند، ایمان آنان به پیامبران بیشتر می‌شد. حال درباره‌ی دیپفیک هم همین صادق است. اگر تصویر جعلی یا صدای کاذب از فردی منتشر می‌شود، این تصویر و صدا هیچ تغییری در آن فرد نمی‌دهد؛ اما اگر خداوند بخواهد فردی را به علت گناهانش از دایره‌ی رحمتش خارج کند، این احتمال وجود خواهد داشت که به اعمال وقیحی دست زند. تغییر واقعی در انسان‌ها تغییری است که در عمق وجود فرد رخ می‌دهد و منجر به بهبود رفتار و عملکرد او می‌شود. این نوع تغییر مستلزم تلاش و اراده‌ی خود فرد و همچنین خواست خداوند است. یک فرد معتاد تصمیم می‌گیرد که اعتیاد را ترک کند و برای آن تلاش می‌نماید. او به یک مرکز ترک اعتیاد می‌رود و در جلسات مشاوره شرکت می‌کند؛ همچنین از حمایت خانواده و دوستان

خود بهره می‌برد. با تلاش و اراده‌ی خود و همچنین کمک خداوند، او موفق می‌شود که اعتیاد خود را ترک کند و یا مثال‌های دیگر که همگی بر تغییر واقعی انسان تأکید دارند، نه تغییر تصویری.

<ul style="list-style-type: none"> • تعمیم آموزه‌ها به پدیده‌ی دیپ فیک 	راهکارهای قرآن برای مقابله با سحر
<ul style="list-style-type: none"> • یادگیری نرم افزارها و سازوکار دیپ فیک • طراحی نرم افزارها برای خنثی سازی و رسوایی آن 	یادگیری راه ابطال سحر
<ul style="list-style-type: none"> • بی‌توجهی به ظاهر جذاب محصولات دیپ فیک • تمرکز بر پشت پرده و اهداف پنهانی آن 	توجه بر بعد شیطانی سحر
<ul style="list-style-type: none"> • دور شدن از دنیای تصاویر مجازی و آشنا شدن با واقعیت انسان ها 	توجه بر اهمیت واقعیت
<ul style="list-style-type: none"> • دقت در نقش خواست خداوند و تلاش فردی در تغییر واقعی انسان ها 	توجه بر اذن الهی

مؤدار شماره ۳. تعمیم آموزه‌های تربیتی قرآن درباره‌ی سحر به پدیده‌ی دیپ‌فیک

نتیجه‌گیری

آیات قرآن کریم در محدوده‌ای نازل شده است که همه‌ی وجوه روانی، معرفتی و رفتاری انسان را زیر سلطه‌ی خود قرار داده است. غیرممکن است رفتاری خارج از حیطه‌ی معرفتی قرآن از انسان سرزنند. خداوند هم نسبت به بعد الهی بندگان آگاه است و هم به‌خوبی می‌داند شیطان چه خواسته‌هایی در ما ایجاد می‌کند؛ پس همه‌ی رفتارهای نسل بشر برای قادر مطلق قابل پیش‌بینی است؛ از این‌رو می‌توان همه‌ی رفتارهای فردی و جمعی هر عصری را با قرآن تفسیر و تبیین کرد. شاید این ادعا درباره‌ی دنیای امروز قدری بعید به‌نظر برسد. تحولات وسیع و عمیقی که در جوامع مختلف رخ داده، باعث شکاف‌های هستی‌شناسی و بنیادین در انسان‌ها شده است؛ اما همه‌ی این تغییرات از حیطه‌ی علم قرآن خارج نشده است. نفوذ افکار شیطانی بیشتر شده است؛ اما هنوز نیروهای شیطانی به سیاق سابق مردم را فریب می‌دهند. یکی از راه‌های فریب مردم در دوران بسیار دور، تبلیغ سحر و جادو بود. قرآن نیز به‌خوبی این مسئله را تحلیل کرده و راهکارهای مقابله با آن را بیان نموده است؛ اما شیطان ساکت نشده و در دوره‌های مختلف و با نقاب‌های

جدید، این روش از فریب را میان مردم تبلیغ کرده است. همانطور که در مقاله‌ی حاضر اشاره شد، پدیده‌ی دیپ‌فیک شباهت‌های مختلفی با سحر و جادو دارد. در وجوه تعریفی، بسترها و پیامدها اشتراکاتی دیده شده است؛ از این رو، پس از طبقه‌بندی آموزه‌های تربیتی قرآن درباره‌ی سحر تلاش شد این آموزه‌ها به محصولات دیپ‌فیک نیز تعمیم داده شود.

پس از طی فرایند علمی این آموزه‌ها برای مقابله با دیپ‌فیک استنتاج شد: یادگیری نرم‌افزارها و سازوکار دیپ‌فیک؛ طراحی نرم‌افزارها برای خنثی‌سازی و رسوایی آن؛ بی‌توجهی به ظاهر جذاب محصولات دیپ‌فیک؛ تمرکز بر پشت پرده و اهداف پنهانی آن؛ دور شدن از دنیای تصاویر مجازی و آشنا شدن با واقعیت انسان‌ها؛ توجه به اذن الهی؛ دقت در نقش خواست خداوند و تلاش فردی در تغییر واقعی انسان‌ها.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ به کوشش یوسف البقاعی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن؛ به کوشش محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی. بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- آریلاستر، آنتونی؛ لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط؛ ترجمه‌ی عباس مخبر؛ چاپ سوم، تهران: مرکز، ۱۳۷۷ ش.
- بشیریّه، حسین؛ تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم؛ چاپ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
- پرچم، اعظم؛ علی‌بالایی، اُسیه؛ «راهکارهای اخلاقی-قرآنی در ارتقای سواد استفاده از فضای مجازی در خانواده»؛ مطالعات اخلاق کاربردی (اخلاق)، دوره ۷، شماره ۲۸، ۱۳۹۶ ش.
- ثقفی تهرانی، محمد؛ تفسیر روان جاوید؛ تهران: برهان، ۱۳۹۸ ق.
- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ چاپ چهارم، قم: نشر اسراء، ۱۳۹۰ ش.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله؛ کشف الظنون عن أسامی الکتب و الفنون؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنی‌عشری؛ تهران: مبقات، ۱۳۶۳ ش.
- خلعتبری، حسام الدین، رحمانی، مهری؛ دیدگاه اسلام و یهود درباره سحر؛ سراج منیر، ۵(۱۵)، ۱۰۵-۱۳۲، ۱۳۹۳.
- ریاحی، سعید؛ اخلاقی، مرضیه؛ احمدی، علی‌اصغر؛ رضایی، مهین؛ «تحلیل ویژگی‌های محیطی بر تنوع شخصیت انسان از دیدگاه فلاسفه اسلامی و نقش آن در برنامه‌ریزی محیطی»؛ نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی (جغرافیای انسانی)، دوره ۱۲، شماره ۱، ۱۳۹۸ ش.
- سالاری، محمد؛ مسعودی، جهانگیر؛ جوارشکیان، عباس؛ «فاعل و منشأ سحر از منظر ابن سینا و ملاصدرا و فلاسفه پیرو مکتب صدرا»؛ حکمت صدرایی، دوره ۸، شماره ۱، ۱۳۹۸ ش.
- سیدموسوی، سید حسین؛ مرتضوی، سید محمد؛ عبدالله‌زاده، سید حمزه؛ «بررسی تطبیقی تأثیر سحر بر پیامبر اسلام (ص) در صحیح بخاری و صحیح مسلم با توجه به شأن نزول معوذتین (سوره‌های ناس و فلق)»؛ پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، ۱۳۹۹ ش.
- سیفعلی‌ئی، فاطمه؛ مروتی، سهراب؛ حسینی‌نیا، سید محمدرضا؛ «خودآگاهی و کارکردهای تربیتی آن در بهبود روابط اجتماعی انسان در قرآن و حدیث»؛ آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۲، ۱۳۹۷ ش.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی و محقق حلی، جعفر بن حسن؛ مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام؛ قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۹ ق.
- عام، عبدالرحمن؛ تاریخ فلسفه‌ی سیاسی غرب؛ چاپ هشتم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴ ش.

- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد؛ العین؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ ش.
- فروم، اریک؛ گریز از آزادی؛ ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند؛ چاپ هفتم، تهران: مروارید، ۱۳۷۵ ش.
- گری، جان؛ لیبرالیسم؛ ترجمه‌ی علیرضا حسینی بهشتی؛ تهران: بقعه، ۱۳۸۴ ش.
- لاک، جان؛ نامه‌ای درباره‌ی تساهل؛ ترجمه‌ی کریم شیرزاد گلشاهی؛ چاپ دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۷ ش.
- مسترحمی، سید عیسی؛ هادی‌به، حمیده؛ «بایسته‌های قرآنی پیام‌ارسالی در فضای مجازی»؛ قرآن و علم، دوره‌ی ۱۴، شماره‌ی ۲۷، ۱۳۹۹ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۷۳ ش.
- نجفی، محمدجواد؛ تفسیر آسان؛ تهران: اسلامیه، ۱۳۷۸ ش.
- نژادایران، محمد؛ «سیطره‌ی غریزه بر آگاهی در نقد نیچه به سوبژکتیویسم مدرن»؛ حکمت و فلسفه، دوره‌ی ۱۹، شماره‌ی ۷۳، ۱۴۰۲ ش.
- نیچه، فریدریش ویلهلم؛ فراسوی نیک و بد؛ ترجمه‌ی داریوش آشوری؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۷۳ ش.
- Chesney, B., & Citron, D (2019). Deep fakes: A looming challenge for privacy, democracy, and national security. *California Law Review*, 107, 1753–1819
- Douglas Harris, Deepfakes: False Pornography Is Here and the Law Cannot Protect You, 17 *Duke Law & Technology Review* 99- 127 (2019)
- Europol (2022). Europol (2022), Facing reality? Law enforcement and the challenge of deepfakes, an observatory report from the Europol Innovation Lab, Publications Office of the European Union, Luxembourg. <https://www.europol.europa.eu/publications-events/publications/facing-reality-law-enforcement-and-challenge-ofdeepfakes>.
- Kietzmann, J., Lee, L. W., McCarthy, I. P., & Kietzmann, T. C (2020). Deepfakes: Trick or treat? *Business Horizons*, 63(2), 135- 146
- Murphy G, Ching D, Twomey J, Linehan C (2023) Face/Off: Changing the face of movies with deepfakes. *PLoS ONE* 18 (7)
- Mustak, M., Salminen, J., Mäntymäki, M., Rahman, A., & Dwivedi, Y. K (2023). Deepfakes: Deceptions, mitigations, and opportunities. In *Journal of Business Research* (Vol. 154, p. 113368).
- Patil, S (2023). Deep fake, disinformation, and deception. *Expert Speak Digital Frontiers*. Retrieved from <https://www.orfonline.org>
- Sparkes, M (2023). Hackers can make computers destroy their own chips with electricity. Retrieved from <https://www.newscientist.com>
- Veerasamy, N., & Pieterse, H (2022). Rising above misinformation and deepfakes. *International Conference on Cyber Warfare and Security*.
- Violino, B (2022). Artificial intelligence is playing a bigger role in cybersecurity, but the bad guys

may benefit the most. Retrieved from <https://www.cnn.com>

- Westerlund, M (2019). The emergence of Deepfake technology: A review. *Technology Innovation Management Review*, 9(11), 40-53